

نقد نظام جبران خسارات حبس و بازداشت ناروا در سیاست جنایی تقنینی ایران؛

در پرتو آموزه‌های کیفری و حقوق بشری

مهدی خاقانی اصفهانی^۱ مژگان امراللهی بیوکی^۲ میلاد بیرانوند^۳

صفحه ۸۳-۹۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۱۵

چکیده

جبران خسارت از بازداشت‌شدگان و حبس‌شدگان بی‌گناه، تأسیس حقوقی نسبتاً نوپدید است. جبران خسارت دولت نسبت به اشتباهات پرسنل قضایی، تحولی در تکریم حقوق بشر در فرایند کیفری است، که متأثر از تحولات دانش کیفرشناختی و جرم‌شناسی انتقادی و علوم مرتبط است. هیچ یک از مواد ۱۳۸، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۲۴ و ذیل تبصره ماده ۱۳۰ و بند ۲ تبصره ذیل ماده ۳۴۳ ق.آ.د.ک ۱۳۷۸ و نیز ماده ۵۷۰، ۵۷۵ و ۵۸۳ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ یارای تبیین کامل اعاده حیثیت و حق جبران خسارت متهم نبودند. اما در ماده ۲۵۵ تا ۲۵۸ و ۵۱۸ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ و مواد ۱۶۳ و ۱۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز بستر قانونی جبران خسارات وارده بر محکوم‌علیه بی‌گناه فراهم شد. در موردی که از محکوم‌علیه کیفری بیش از مدت حبس مقرر در رأی صادره، سلب آزادی می‌شود نیز باید جبران خسارت صورت گیرد. ضمن این که مصادیق تعیین شده در قانون جنبه حصری دارند و نمی‌توان با توسعه موضوع و قیاس به موارد مشابه، دامنه جبران خسارات این قبیل افراد را توسعه داد هرچند ذینفع و متضرر حق مطالبه خسارات وارده را از باب استناد به اصول و قواعد دیگر از قبیل لاضرر و نفی حرج خواهد داشت. لذا، اصول حقوق بشر و قواعد فقهی، اهم مبانی خسارت زدایی از متهمان و محکومان بی‌گناه است.

این مقاله، پس از نقد مواد قانونی مربوط به جبران خسارات بازداشت ناروا از منظر سیاست جنایی تقنینی ایران در پرتو مبانی فقهی و اسناد بین‌المللی، توضیح می‌دهد که کمیسیون‌های ملی و استانی جبران خسارت قضایی، به رغم همسویی با اندیشه ضمان حاکم اسلامی و عدالت ترمیمی، به دلیل تداوم غلبه سزاگرایی بر خرده‌گفتمان قضایی - با وجود گفتمان اصلی بازپرورانه و ترمیمی - و به جهت عیوب قانونی و ساختاری نتوانسته است آموزه‌ی جبران خسارات بازداشت ناروا به دستاورد عینی قوه قضائیه مبدل سازد. در پایان، پیشنهاد شده اطلاق و ابهام بند «پ» ماده ۲۵۶ ق.آ.د.ک مقید گردد تا گریزگاه عدم جبران خسارات قرار نگیرد.

واژگان کلیدی: ضمان حاکم اسلامی، جبران خسارات قضایی، عدالت ترمیمی، دادرسی عادلانه

^۱ استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی

^۲ استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی عضو هیات علمی تهران جنوب

^۳ کارشناسی ارشد حقوق دانشگاه آزاد اسلامی ورامین

مقدمه

گاهی مقام قضایی با صدور قرار بازداشت در عمل موجب زندانی شدن متهم در تمام مدت تحقیقات مقدماتی و یا در قسمتی از آن می شود، این امر (بازداشت) که اقدام بسیار شدید علیه آزادی فردی است مخالف با فرض براءت نیز هست زیرا قبل از تعیین کیفر توسط یک دادگاه صالح، متهم در حال تحمل مجازات است و از سوی دیگر قرار بازداشت آثار سویی بر اجرای دادگری خواهد گذاشت به گونه‌ای که دادرسان کمتر رغبت به صدور رای براءت شخصی که مدتی را در بازداشت گذرانده نشان می‌دهند (طه و اشرافی، ۱۳۸۶: ۱۲۲) و برای عدم تکذیب بازپرس، تمایل به انتخاب کیفری دارند که دست کم مدت آن با مدت بازداشت موقت مساوی بوده و در صورت طولانی بودن آن، به سادگی از تعلیق اجرای کیفر و جایگزین‌های حبس استفاده نمی‌کنند.

با توجه به زیان‌های بسیاری که بازداشت موقت دارد - امروزه گرایش به محدود کردن هر چه بیشتر موارد صدور قرار بازداشت موقت است و شرایطی ماهوی و شکلی برای این امر در نظر گرفته می‌شود که صدور آن به کم‌ترین اندازه برسد و به تعبیری در سطح بین‌المللی نیز از بازداشت موقت به عنوان اقدامی بد ولی‌گاه ضروری یاد می‌شود و در عین حال چنانچه برای فردی قرار بازداشت صادر شد حقوق او به نحو کاملی تضمین شود به گونه‌ای که شخص متهم به تنهایی از آزادی رفت و آمد محروم شود و به سایر حقوق او لطمه‌ای وارد نشود.

این امر اقتضای آن را داشت که موارد صدور قرار بازداشت موقت اجباری موضوع ماده ۳۵ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری (۱۳۷۸) از بین برده شود و سیستم دادگری کیفری به سمتی حرکت نماید که از جایگزین‌های قرار بازداشت موقت استفاده نماید، به گونه‌ای که استفاده از قرارهای جایگزین موسوم به «کنترل قضایی» به عنوان اصل، سرمشق کار سامانه دادگری کیفری قرار گیرد و قرار بازداشت به تنهایی به عنوان آخرین راه حل و در جاهایی که عمل ارتكابی بسیار شدید است و یا جلوگیری از فرار یا پنهان شدن متهم به تنهایی با بازداشت مسلم می‌شود و یا آزاد نگذاشتن متهم منجر به از بین بردن آثار جرم و تبانی با شهود و مطلعین خواهد شد و یا بازداشت نمودن متهم به عنوان یک اقدام تأمینی توجیه‌گر حفظ حیات متهم یا ممانعت از تکرار جرم او باشد، به صدور قرار بازداشت موقت برای مدت معقول و متناسب اقدام نمود (آشوری، ۱۳۹۳: ۴۸۴). این ضرورت، در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ جامه عمل پوشید و تحقق یافت؛ بدین نحو که قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) در ماده ۲۳۷ موردی را برای صدور قرار بازداشت موقت اجباری پیش‌بینی نکرده بلکه صدور آن را در پاره‌ای موارد جایز اعلام نموده است.

از سوی دیگر، با وجود پیش‌بینی همه تمهیدات، بعد از گذشت مدتی از بازداشت شخص، کاشف به‌عمل می‌آید که متهم یا محکوم‌علیه بی‌گناه بوده و آزادی وی برخلاف قانون سلب شده و در نتیجه، چنین شخصی مستحق جبران خسارت است. جبران خسارت متهمان و محکومان بی‌گناه چه در قالب جبران خسارت مادی و چه در قالب جبران خسارت معنوی تأسیس قدیمی است که در این میان جبران خسارت دولت نقش پررنگ و بااهمیتی دارد. (طهماسبی و گلریز، ۱۳۹۱: ۱۶۵)

جبران خسارت متهمان و محکومان که بی‌گناه بودن ایشان به واسطه عوامل آتی اما یقین‌آور محرز می‌باشد، تبدیل به یکی از قواعد مشترک و منطقی در نظام حقوقی کشور های پیشرو و متمدن جهان شده و به واسطه فقدان استانداردهای جهانی و همچنین سیاست‌های کیفری متفاوت کشورها از حیث صلاحیت سرزمینی، انجام پژوهش‌های تطبیقی در این

موضوع کمک شایانی به رشد، توسعه و تعدیل قواعد و قوانین و پیدایش استانداردهای فراگیر بین المللی خواهد داشت. علیرغم وجود فرامین کلی در کنوانسیون های بین المللی در خصوص لزوم جبران خسارت آسیب دیدگان اشتباهات قضایی و احکام ناروا، باید توجه داشت که وفق اصل سرزمینی بودن قوانین کیفری و به تبع آن کلیه آثار منبعث از سیاست های جنایی دولتها از جمله عدالت ترمیمی مرتب بر احکام ناروا، مرجع اصلی و نهایی رویکرد هر کشور به مسئله جبران خسارت در این حیطه خاص، قوانین عادی و رویه قضائی آن کشور می باشد.

استاد دکتر حسین مهرپور، در مقاله ای با عنوان «اجرای حقوقی اخلاق» آموزه ارزنده ای را مطرح نموده اند که از دل آن می توان رهیافت هایی برای جبران خسارت ستمدیدگان از اشتباهات قضایی بر ساخت. ایشان در مقام تبیین این امر است که «حقوق باید با تجدیدنظر در بعضی از مفاهیم و مبانی مسؤولیت حقوقی، از بی اعتنائی نسبت به احکام اخلاقی که با وجود اهمیت بسیار به دلیل فقدان ضمانت اجرا به مرحله اجرا در نمی آید، خودداری نماید» (مهرپور و همکاران، ۱۳۸۰: ۱۲۵)؛ به عنوان مثال، حقوق نباید با وجود حساسیت شدید اخلاق نسبت به مواردی از قبیل «ضرورت کمک به دیگران در مواقعی که خطری آنها را تهدید می کند»، «جلوگیری از اقدام افراد به افعالی که به ضرر خود آنهاست»، «لزوم جلوگیری از افعالی که به طور غیرمستقیم به ضرر دیگران است» و «جلوگیری از افعالی که ماهیتاً غیراخلاقی است»، آنها را صرفاً مربوط به قلمرو اخلاق دانسته و از دخالت مناسب، امتناع ورزد.

از دید استاد دکتر مهرپور، عدم توجه به این امر موجب می گردد که حقوق از اخلاق فاصله بگیرد و عدالت که جوهره واقعی آن را اخلاق تشکیل می دهد به خطر افتد. دخالت حقوق البته از دید استاد مهرپور باید به گونه ای باشد که مرزهای اخلاق و حقوق را کاملاً به هم نریزد؛ زیرا بدیهی است که اجرای تمام قواعد اخلاقی بپردازد؛ زیرا تفکیک اخلاق در نظام های حقوقی دینی چندان ساده نیست.

۱- مبانی نظری جبران خسارت بابت حبس و بازداشت ناروا، در سیر تاریخ قانونگذاری

در حقوق ایران تا قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۰/۵/۸) ظاهراً در هیچ کدام از مواد قانونی، جبران خسارت ناشی از بازداشت و حبس قانونی و یا حتی بازداشت غیر قانونی منتهی به برائت یا منع تعقیب متهم پیش بینی نگردیده بود، اگرچه طی مواد قانونی پراکنده ای مانند تبصره ۴ ذیل بند خ ماده ۱۸ قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و داروئی و مواد خوردنی و آشامیدنی مصوب ۲۹ خرداد ۱۳۳۴ برای متهم حق اعتراض به صدور قرار بازداشت غیر قانونی پیش بینی شده بود. بر اساس این ماده: «هر یک از مأمورین دولتی و یا شهرداری و یا کسانی که بر حسب وظیفه متصدی مراقبت در مواد دارویی هستند... در صورتی که ثابت شود اشخاص فوق گزارشی به قصد اضرار بدهند که منتهی به بازداشت اشخاص شود، در صورت برائت متهم و اثبات قصد اضرار علاوه بر جبران خسارت وارده به مدعی خصوصی به مجازات یک تا سه سال حبس تأدیبی محکوم خواهند شد». قانون اساسی که در اصل ۱۷۳، برای مردم حق شکایت و تظلم نسبت به مأمورین، واحدها و آیین نامه های دولت و احقاق حقوق آنان در دیوان عدالت اداری را قائل شده است، در خصوص الگوی کلی جبران ضررهای مادی یا معنوی ناشی از تقصیر و اشتباه قاضی در اصل ۱۷۱ حکم کلی وضع نموده ولی جزئیات آن تا قبل از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ ترسیم نشده بود. البته این قانون در این زمینه، و سازوکارهای اجرای جبران خسارت طی آن، چالش های فراوانی دارد.

بنابراین، صرف ضامن بودن شخص، مانع مسئولیت قوه قضائیه در این خصوص نیست. بر این اساس، ماده ۱۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، عدم رعایت اصل قانونی بودن مجازات ها را که منجر به صدمه و خسارت به اشخاص شود در صورتی که از روی عمد یا تقصیر باشد، موجب مسئولیت کیفری و مدنی دانسته است. بنابراین، هرگاه از عملکرد مقامات قضایی و به دنبال تخطی و تجاوز عمدی از وظیفه قانونی آنان، خساراتی به اشخاص وارد آید، موضوع از مصادیق تقصیر محسوب شده و مقصر طبق موازین شرعی و قانونی ضامن است (گلدزیان، ۱۳۹۳: ۱۰۳). البته همان گونه که خواهیم دید، هرگاه این خسارات مستند به عمل آنان نباشد یا ناشی از اشتباه برآورد شود، مسئولیتی متوجه آنان نیست و جبران خسارت بر عهده دولت خواهد بود.

یکی از اسباب معافیت، که امروزه در نظامات حقوقی و در قوانین مدون اعم از قانون اساسی و عادی کشور ما پذیرفته شده است، اصل مصونیت شغلی قاضی و محفوظ بودن او از تعقیب کیفری است. به موجب این اصل قضات را بدون اجازه دادگاه عالی انتظامی قضات و قبل از سلب مصونیت قضایی نمی توان مورد تعقیب کیفری قرار داد (حبیبی و صالحی فر، ۱۳۹۲: ۷۱). ولی باید دانست که محفوظ بودن قضات از تعقیب در امور کیفری شامل جرائم کم اهمیت و خلافی نخواهد شد. به همین جهت تدوین کنندگان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصل استقلال قاضی و مصونیت شغلی کارمندان قضایی را در اصل ۱۶۴ قانون اساسی پیش‌بینی کرده‌اند.

به علاوه، به موجب ماده ۴۲ قانون تشکیلات عدلیه چنانچه دلایلی کشف شود که کارمند قضایی مرتکب جنحه یا جنایتی شده است، نه تنها او را نمی‌توان توقیف کرد بلکه حتی بازجویی هم از او به عمل نمی‌آید، مگر این که دلایل و مدارک جرم به دادسرای انتظامی قضات تعلیق قاضی را از شغل خود تا صدور مراجع کیفری از دادگاه عالی انتظامی درخواست نماید. دادگاه نیز چنانچه دلایل مبنی بر توجه اتهام به قاضی را احراز کند، قرار تعلیق او را از شغل قضایی صادر و به مرجع کیفری ارسال می‌دارد، بدیهی است چنانچه قاضی از اتهام منتسبه برائت حاصل کند، ایام تعلیق جزء مدت خدمت او محسوب خواهد شد. در ارتباط با مسئولیت مدنی قاضی ناشی از تقصیر یا اشتباه که قانوناً مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است نیز از آنجایی که اصولاً مرجع تشخیص تخلفات شغلی قاضی دادسرا و دادگاه انتظامی قضات است. بنابراین، در مورد ضامن ناشی از تقصیر یا اشتباه او در تشخیص موضوع یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، به نظر می‌رسد که در این خصوص نیز قبلاً باید مراتب تقصیر یا اشتباه مقصر را به این مرجع منعکس کرد تا پس از رسیدگی، چنانچه دلایلی مبنی بر تقصیر یا اشتباه در محدوده حکم ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۰) به جبران ضرر و زیان مادی بر طبق موازین اسلامی محکوم کرد اما در این مورد ظاهراً صدور قرار تعلیق قاضی تا صدور رای نهایی بوسیله دادگاه انتظامی قضات ضرورت ندارد.

در قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۷۸ طبق مواد ۱۳۸، ۱۷۱، ۱۷۲ و بند ۲ تبصره ذیل ۳۴۳ قانون آیین دادرسی کیفری و پاره ای مواد قانونی دیگر برای متهم حق اعتراض نسبت به بازداشت خود قائل شده بود، این هم درست است که براساس ماده ۱۲۴ و تبصره ذیل ماده ۱۳۰ همان قانون و ماده ۵۷۰، ۵۷۵ و ۵۸۳ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ قضات یا مقامات ذیصلاح دیگری که به نحوی در بازداشت افراد، مرتکب تخلف و قصور شوند مستوجب تعقیب و کیفر شناخته شده بودند (خالقی، ۱۳۸۶: ۷۷) اما هیچکدام از این مواد قانونی مبین اعاده حیثیت و حق جبران خسارت متهم نمی‌باشند (فتحی، ۱۳۹۳: ۲۱۹)، که خوشبختانه این مهم مورد توجه

قانونگذار قرار گرفت و در تغییرات و اصلاحاتی که در سال ۱۳۷۰ در قانون مجازات اسلامی به عمل آمده مقنن طی ماده ۵۸ قانون مذکور، همان حکم اصل یکصد و هفتاد و یکم قانون اساسی را با اندک تفاوتی تکرار و با اتکاء به اصل قانونی مزبور مقرر نمود.

با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۳ به این نیاز مهم پاسخ داده شد. در حال حاضر قانون آیین دادرسی کیفری یکی از مترقی ترین قوانین در زمینه جبران خسارات بازداشت شدگان غیر قانونی می باشد. در ماده ۲۵۵ این قانون بحث ضرر و زیان های مربوط به متهم مورد توجه قرار گرفته است و مقرر داشته اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی بازداشت می شوند و برای آن ها حکم برائت یا منع تعقیب صادر شود می توانند با رعایت ماده ۱۴ قانون فوق خسارت مادی و معنوی ایام بازداشت را از دولت بخواهند، در این زمینه کمیسیون هایی در استان ها به ریاست رئیس کل دادگستری تشکیل و به این موضوع رسیدگی می شود.

جبران خسارت ایام بازداشت از طریق (کمیسیون استانی و ملی جبران خسارت) در مواد ۲۵۵ تا ۲۶۱ قانون آیین دادرسی کیفری جدید پیش بینی شده است اما ایجاد امکان جبران خسارت ایام بازداشت در دو صورت امکان پذیر است؛ یکی در صورت صدور حکم برائت و دیگری با قرار منع تعقیب متهم. در همین ارتباط شخص بازداشت شده باید ظرف شش ماه از تاریخ ابلاغ رأی قطعی حاکی از بی گناهی خود درخواست جبران خسارت را به کمیسیون استانی متشکل از سه نفر از قضات دادگاه تجدیدنظر استان به انتخاب رئیس قوه قضائیه تقدیم کند. کمیسیون در صورت احراز شرایط مقرر در این قانون حکم به پرداخت خسارت صادر می کند، در صورت رد درخواست این شخص می تواند ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ اعتراض خود را به کمیسیون موضوع ماده (۲۵۸) این قانون اعلام کند.

طبق ماده ۲۵۹ قانون مذکور جبران خسارت موضوع ماده (۲۵۵) این قانون بر عهده دولت است و در صورتی که بازداشت بر اثر اعلام مغرضانه جرم، شهادت کذب و یا تقصیر مقامات قضایی باشد، دولت پس از جبران خسارت می تواند به مسئول اصلی مراجعه کند (فتحی، ۱۳۹۲: ۱۹۸). مسئولیت مزبور به ترتیب دیگری نیز در قانون مسئولیت مدنی نسبت به دادگاه و قاضی صادرکننده رأی مستوجب خسارت مقرر شده است، ضمناً در جهت توضیحات کافی این موضوع در ماده ۲۵۶ قانون فوق آورده شده است که از اشخاص بازداشت شده زیر جبران خسارت نخواهد شد: الف- بازداشت شخص، ناشی از خودداری در ارائه اسناد، مدارک و ادله بی گناهی خود باشد (خودداری تعمداً باشد نه عجز از ارائه مدارک). ب- به منظور فراری دادن مرتکب جرم، خود را در مظان اتهام و بازداشت قرار داده باشد. پ- به هر جهتی به ناحق موجبات بازداشت خود را فراهم آورده باشد. ت- همزمان به علت قانونی دیگر بازداشت باشد.

لازم است برای تسهیل و تسریع در روند رسیدگی و احقاق حق از محکومان بی گناه، تدابیر مناسبی اندیشیده شود و اصلاح ماده ۳۰ قانون نظارت بر رفتار قضات، مصوب ۱۳۹۰، در دستور کار مقنن قرار گیرد (یوسفیان شوره‌دلی و رسولی آستانی، ۱۳۹۲: ۲۴۶). چنین اصلاحی موجب افزایش وضعیت قوه قضائیه از حیث شاخص‌های عدالت کیفری و احساس عدالت کیفری خواهد شد.

۲- جبران خسارت از بازداشت‌شدگان غیرقانونی در اسناد بین‌المللی

استاد دکتر حسین مهرپور در یکی از مقالات خود در مورد تأثیرپذیری نظام حقوقی ایران از اسناد بین‌المللی رویکرد جهانی ارزنده‌ای ابراز داشته و مرقوم داشته‌اند: «قطعاً گنجاندن کرامت انسانی در عداد مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران نمی‌تواند متأثر از مباحث بین‌المللی در زمینه حقوق بشر و به رسمیت‌شناختن کرامت یا

شأن و منزلت انسانی برای انسان صرف‌نظر از هر نوع تعلقاتی با عنوان Human Dignity در منشور ملل متحد، و اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق‌های بین‌المللی حقوق مدنی، سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و دیگر اسناد بین‌المللی نباشد و توجه به این معنی در مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی و اظهارات برخی از نمایندگان مشهود است.» (مهرپور، ۱۳۸۵: ۲۹)

جبران خسارت از بازداشت‌شدگان غیر قانونی در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای نیز مورد تأکید واقع شده است. برای نمونه: بند ۵ ماده پنجم کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ۱۹۵۰ رم مقرر می‌دارد: «هرکس که قربانی دستگیری یا بازداشت، بر خلاف مفاد این ماده شده باشد حق درخواست جبران خسارت را خواهد داشت.»

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل متحد مصوب ۲۶ دسامبر ۱۹۶۶ که دولت ایران به تاریخ ۱۳۵۴/۰۲/۱۷ به این میثاق ملحق شده است، در این باره مقرر می‌دارد: ماده ۱-۹ هرکس حق آزادی و امنیت شخصی دارد، هیچکس را نمی‌توان خود سرانه (بدون مجوز) دستگیر یا بازداشت (زندانی) کرد، از هیچکس نمی‌توان سلب آزادی کرد مگر به جهات و طبق آیین دادرسی مقرر به حکم قانون. ۲-۹ هر کس دستگیر می‌شود باید در موقع دستگیر شدن از جهات (علل) آن مطلع شود و در اسرع وقت اختاریه‌ای دائر به هر گونه اتهامی که به او نسبت داده می‌شود دریافت دارد. ۳-۹ هرکس به اتهام جرمی دستگیر یا بازداشت (زندانی) می‌شود باید او را به اسرع وقت در محضر دادرسی یا هر مقام دیگری که به موجب قانون مجاز به اعمال اختیارات قضایی باشد حاضر نمود و باید در مدت معقولی دادرسی یا آزاد شود. بازداشت (زندانی نمودن) اشخاصی که در انتظار دادرسی هستند نباید قاعده کلی باشد لیکن آزادی موقت ممکن است موکول به اخذ تصمیماتی بشود که حضور متهم را در جلسه دادرسی و سایر مراحل رسیدگی قضایی و حسب مورد برای اجرای حکم تأمین نماید. ۴-۹ هر کس که بر اثر دستگیر یا بازداشت شدن (زندانی) از آزادی محروم می‌شود حق دارد که به دادگاه تظلم نماید به این منظور که دادگاه بدون تأخیر راجع به قانونی بودن بازداشت اظهار رأی بکند و در صورت غیر قانونی بودن بازداشت حکم آزادی او را صادر کند. ۵-۹ هر کس که بطور غیر قانونی دستگیر یا بازداشت (زندانی) شده باشد حق جبران خسارت خواهد داشت. (هاشمی، ۱۳۸۲: ۱۷۷)

ماده ۱-۱۰: درباره کلیه افرادی که از آزادی خود محروم شده‌اند باید با انسانیت و احترام به حیثیت ذاتی شخص رفتار کرد. ۲-۱۰ الف: متهمین جز در موارد استثنایی از محکومین جدا نگهداری خواهند شد و تابع نظام جداگانه‌ای متناسب با وضع اشخاص غیر محکوم خواهند بود. ۲-۱۰ ب: صغار متهم باید از بزرگسالان جدا بوده و باید در اسرع اوقات ممکن در مورد آنان اتخاذ تصمیم بشود. ۳-۱۰ نظام زندانها متضمن رفتاری با محکومین خواهد بود که هدف اساسی آن اصلاح و اعاده حیثیت اجتماعی زندانیان باشد. صغار بزهکار باید از بزرگسالان جدا بوده و تابع نظامی متناسب با سن و وضع قانونی‌شان باشند.

ماده ۶۰ از قانون موافقتنامه همکاری بین ایران و سوریه مصوب ۱۳۸۱ نیز مقرر می‌دارد: «مدت زمان بازداشت موقت (توقیف) شخص مسترد شده، از هر نوع مجازاتی که در کشور تقاضا کننده به آن محکوم شود

کسر می‌گردد». همچنین گزارشگر نهمین کنگره بین‌المللی حقوق تطبیقی در این باره در گزارش خود به این موضوع اشاره نموده است ولی مشکل در مورد جبران خسارت ناشی از بازداشت یا حبسی است که کاملاً طبق قانون و با رعایت تشریفات و ترتیبات قانونی صورت گرفته لیکن متهم تبرئه شده است. این امر نیز در حال حاضر مورد بررسی دست اندرکاران علوم جزائی است که درصدد یافتن توجیهی منطقی برای جبران خسارت چنین بازداشت‌هایی می‌باشند. (نیازپور، ۱۳۸۹: ۲۲۹)

فی الجمله حق متهم به جبران خسارت و نیز اصل انصاف مبنای لزوم این جبران قلمداد گردیده و ضمناً گفته شده: «اصل تساوی شهروندان در مقابل تکالیف عمومی ایجاب می‌کند خسارتی که بر اثر تصمیم قدرت عمومی استثنائاً بر یکی از افراد وارد گردیده جبران شود». این نظریه در بعضی کشورها پذیرفته شده که از آن جمله می‌توان فرانسه، آلمان و لوکزامبورک را نام برد. در حقوق فرانسه نیز صدور قرار منع تعقیب و برائت (اعم از برائت صادره از دادگاه جنایی و یا دادگاه جنحه و خلاف)، در زمره موارد قابلیت امکان جبران خسارت ناشی از بازداشت غیرقانونی است. با این حال، موارد صدور قرار منع تعقیب در دو نظام متفاوت از یکدیگر است (مقدسی و قلی‌زاده، ۱۳۹۶: ۸۱)، به گونه‌ای که در حقوق فرانسه به واسطه گسترده‌تر بودن مصادیق صدور این قرار نسبت به حقوق ایران، امکان جبران خسارت ناشی از بازداشت غیر قانونی بیشتر است.

جبران خسارت ناشی از سلب آزادی متهمان و محکومان بی‌گناه یکی از جنبه‌های انسانی آئین دادرسی کیفری است که در این خصوص قانون گذار ما قبل از قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در اصل ۱۷۱ قانون اساسی و قوانین عادی از جمله ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ مقررات کلی وضع نموده است (خالقی، ۱۳۹۳: ۲۲۴). تاپیش از تصویب قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، به موضوع جبران خسارت ناروا بر متهمان و محکومان بی‌گناه توجه اساسی نمی‌شده و لذا، گرچه در نظام حقوقی ایران، به این موضوع تا حدودی اشاره شده است لکن، فرایند عملی و نحوه خسارت زدایی از این قبیل افراد به نحو روشنی تبیین و تعیین نگردیده است که این امر فی‌النتیجه در مقام استیفای حقوق این دسته از افراد مشکل‌آفرین است.

به‌هر تقدیر، قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ برای نخستین بار با رویکرد حقوق بشری و بالاهام گرفتن از موازین اسلامی و قوانین خارجی از جمله قانون آئین دادرسی کیفری فرانسه «لزوم جبران خسارت ناروا بر متهمان و محکومان بی‌گناه در فرایند دادرسی کیفری» را در قالب مواد ۲۶۱-۲۵۵ در ذیل فصل هفتم؛ «قرارهای تأمین و نظارت قضایی» پیش‌بینی نموده است. مواد ۱۶۳ و ۱۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز به نحوی به جبران خسارت وارده بر محکوم علیه بی‌گناه اشاره نموده است. تبصره ماده ۵۱۸ قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ نیز برای اولین بار جبران خسارت محکومی که بیش از مدت حبس مقرر در حکم در زندان مانده است را پیش‌بینی نموده است؛ یعنی مواردی که در عمل بارها و بارها رخ داده است که به علت عدم توجه قاضی اجرای احکام و رئیس زندان به تکالیف قانونی خویش، محکوم علیه پرونده کیفری بیش از مدت حبس مقرر در حکم خود، متحمل محکومیت شده است.

از سوی دیگر، رسیدگی و صدور حکم به جبران خسارت و اجرای آرای کمیسیون‌های استانی و ملی جبران خسارت در آئین نامه مربوطه که توسط وزیر دادگستری تهیه و توسط رئیس قوه قضائیه تصویب شده، تعیین گردیده است. از مجموع مقررات و قوانین سابق و لاحق استنباط می‌شود که جبران خسارت وارده بر متهمان و محکومان بی‌گناه خواه ناشی از صدور حکم برائت یا قرار منع تعقیب از سوی مراجع قضایی باشد خواه ناشی از اشتباه یا سهل‌انگاری و حتی سوء نیت

مقام قضایی باشد، با اصول قانون اساسی و قوانین موضوعه منطبق است. لذا، با وضع قوانین لاحق، بستر و زمینه های جبران خسارت این دسته از افراد فراهم شده است. در مجموع می توان گفت که مسأله جبران خسارات ناروا برمتهمان و محکومان بی گناه یکی از موضوعات پیشرفته آئین دادرسی کیفری در جهت حمایت از حقوق فرد متهم و محکوم می باشد و در قوانین اکثر کشورهای جهان و اسناد بین المللی براین موضوع تصریح شده است.

از آنجا که قوانین کیفری ایران در این خصوص تقریباً اقتباسی از شیوه مقنن فرانسوی است، می توان از سیاست ها و ساز و کارهای پیش بینی شده در قانون آئین دادرسی کیفری فرانسه و نیز اسناد بین المللی از قبیل کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی در زمینه جبران خسارت وارده برمتهمان و محکومان بی گناه، برای طرح ریزی این ساز و کار در نظام قضایی ایران استفاده کرد. (آشوری، ۱۳۹۳: ۵۰۸)

بنابراین، بنا به دلایل متعدد، دولت مسئول جبران خسارات ناروا برمتهمان و محکومان بی گناه در فرایند دادرسی کیفری است و خسارات وارده براین قبیل افراد ممکن است مادی و گاه معنوی و گاه ترکیبی از خسارات مادی و معنوی باشد (سیدفاطمی و حسینی، ۱۳۹۲: ۲۳۹). لذا، بررسی مبانی مطمئن برای این موضوع و یافتن سازوکارهای قانونی، قضایی و اجرایی درخور اهمیت و توجه بوده و جبران خسارات ناروا برمتهمان و محکومان بی گناه امری ضروری، منطقی و منطبق با موازینی چون عدالت و انصاف و مرتبط با اصول و قواعد حقوقی است.

۳- بایسته های اصلاح نظام جبران خسارات ناشی از بازداشت بی گناهان در سیاست کیفری ایران

تعداد زیادی از متهمانی که در مرحله تحقیقات مقدماتی و یا حتی در مرحله دادرسی بازداشت شده اند، بی گناه شناخته شده و بعد از مدتی برائت حاصل نموده و آزاد شده اند. مسلماً برای متهمانی که گناهکار بوده و جرمشان اثبات شده است، چنین امتیاز و اعتباری (جبران خسارت) حاصل نخواهد شد. در بسیاری از کشورها برای جبران خسارت افرادی که در بازداشت بوده و سپس به لحاظ بررسی ها و عدم کفایت دلیل، بزهدکاری آنان اثبات نشده و از بند خلاصی یافته اند، راه حل های مناسبی در نظر گرفته شده و نحوه جبران خسارات مالی و معنوی آنان پیش بینی شده است. این کشورها حتی در مورد متهمانی که با صدور قرار منع پیگرد بعد از مدتی بازداشت مرخص شده اند، به صرف صدور قرار منع پیگرد جبران خسارات را پذیرا شده اند. حق هم این است که وقتی چنین متهمانی تبرئه و محبوس بودن آن ها ناحق تشخیص داده شده، باید مصالح و منافع آنان به عنوان عضوی از اعضای جامعه که بر ایشان ستم رفته است، ملحوظ نظر قرار گیرد و به طریقی جبران شود.

از این رو جامعه با این استدلال که این امر در رهگذر حفظ نظم عمومی و مصالح اجتماعی است، نباید در قبال آنان بی تفاوت بماند. اصل تساوی شهروندان در مقابل تکالیف عمومی ایجاب می کند خساراتی که بر اثر تصمیم قدرت عمومی به صورت استثنایی بر چنین افرادی وارد شده جبران شود. در خصوص متهمانی که واقعاً بی گناه هستند و برائت حاصل کرده اند و متهمانی که گناهکار بوده؛ اما به لحاظ پیچیدگی واقعه مجرمانه و یا فقد دلیل، قرار منع پیگرد درباره شان صادر شده و هر دو مرخص و آزاد شده اند و نتیجه برای هر دو آن ها یکی است، این سؤال پیش می آید که آیا جامعه به هر دو با یک دید می نگرد؟ در پاسخ باید گفت که جامعه به هیچ وجه آن ها را یکسان و با یک دید نمی بیند؛ بلکه نسبت به متهم بی گناه که گناهش ثابت نشده، دیدی جداگانه و ذهنیتی متفاوت دارد. وی مستحق جبران خسارت بوده و جبران خسارت در این قبیل موارد دال بر بی گناهی او دانسته شده است. این رویه در بعضی از کشورها از جمله فرانسه و آلمان پذیرفته شده است. (ر.ک. به: مقدسی و قلی زاده، ۱۳۹۷)

با تمام تمهیدات و تدابیری که جهت کنترل بازداشت موقت در بعد بین المللی و حقوق داخلی کشورها پیش بینی شده است، موارد زیادی اتفاق می افتد که متهم استحقاق بازداشت را نداشته و من غیرحق و بدون رعایت شرایط و ضوابط قانونی توقیف شده است. در چنین مواردی جبران خسارات فرد بازداشت شده بی گناه ضرورت دارد. موضوع قابل توجهی که در زمره تحولات آیین دادرسی در دهه های اخیر مطرح گردیده است، حق جبران خسارت متهمانی است که به موجب قرار به ظاهر قانونی، مدتی از عمر خود را در بازداشت به سر برده و با فرض عدم احراز سوءنیت قاضی صادر کننده قرار، پس از طی مراحل دادرسی، بی گناهی آنان به اثبات رسیده و قرار منع پیگرد یا حکم برائت قطعی دریافت می نمایند.

هیچ یک از این مواد قانونی مبین اعاده حیثیت و حق جبران خسارت به متهم نیست؛ در صورتی که متهم و خانواده اش از این بازداشت زیان مادی و معنوی بسیاری می بینند و انصاف و عقل و منطق حکم می کند به نحوی از چنین متهمان بی گناهی اعاده حیثیت، دلجویی و جبران خسارت شود؛ به خصوص این که در اصل یکصد و هفتاد و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به این موضوع اشاره شده است.

سلب آزادی پیشگیری محور برای تأمین امنیت عموم و پیشگیری از تکرار جرم احتمالی مجرمان خطرناک اعمال می شود. ماده ۴۸ مکرر سابق و ماده ۱۵۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، بارزترین مصداق قانونی این رویکرد در حقوق کیفری ایران است. در واقع، می توان سلب آزادی پیشگیری محور را نوعی اقدام پیش دستانه برای حفظ امنیت عموم تلقی کرد. در این اقدام، حقوق کیفری با فاصله گرفتن از رویکرد سزادهی برای حفظ امنیت، رویکردی آینده نگر می یابد و بر مرحله پیش از ارتکاب جرم نیز اعمال می شود (نجفی ابرندآبادی و رضوانی، ۱۳۹۲: ۹). اما احتمال بازداشت ناروا نسبت به افراد بی گناه در این نوع پیشگیری بازداشت محور بسیار زیاد است.

در حقوق ایران قبل از تصویب قانون جدید آیین دادرسی کیفری، جبران خسارت ناشی از بازداشت در قوانین دادرسی کیفری پیش بینی نشده بود. فقط در اصل ۱۷۱ قانون اساسی و ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، حکم جبران خسارت مادی یا معنوی ناشی از تقصیر یا اشتباه قاضی مقرر شده بود. به هر حال براساس تکلیف اصل ۱۷۱ قانون اساسی، انصاف و اصل لاضرر، ضمان و حق جبران خسارت، متهم بی گناه که بازداشت شده است، باید حق مراجعه به قاضی یا دولت را در خصوص جبران خسارت خود داشته باشد. خوشبختانه قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، خسارت ناشی از بازداشت غیر ضروری را پیش بینی کرده است که این موضوع از نوآوری ها و دستاوردهای مثبت و مهم قانون جدید در جهت حمایت از حقوق و آزادی های اشخاصی است که در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی بی گناه محسوب می شوند. بر اساس ماده ۲۵۵ ق. آ. د. ک اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی به هر علت بازداشت می شوند و از سوی مراجع قضایی، حکم برائت یا قرار منع تعقیب در مورد آنان صادر می شود، می توانند با رعایت ماده ۱۴ این قانون، خسارت ایام بازداشت را از دولت مطالبه کنند.

بر اساس قاعده «لا ضرر» و اصل «ضمان» و نیز برابر قاعده انصاف و حق جبران خسارت متهم، محبوسی که به ناحق و بی گناه بازداشت شده حق دارد برای جبران خسارت وارد شده حسب مورد به متخلف و یا دولت مراجعه کند و خسارات ناشی از بی گناهی خود را مطالبه نماید.

اگرچه شناسایی مسئولیت دولت نسبت به عملکرد دادگستری موجب تحمیل هزینه بر بودجه عمومی کشور می گردد با این همه، این امر می تواند تصمیم گیرندگان (از جمله قانونگذار و مدیران ارشد قوه قضاییه) را به تدریج به سمت توجه بیشتر به کیفیت و کارآمدی دادگستری از طریق اصلاح سازمان قضایی و پیش بینی تشکیلات قضایی کارآمد، سازماندهی

روش‌های متناسب و مؤثر شکایت از آراء، تمرکز بیشتر بر معیارهای علمی در فرایند استخدام و آموزش قضات، ضابطان دادگستری و کارمندان اداری مراجع قضایی، توجه بیشتر بر مستدل بودن آراء و اجرای دقیق سایر اصول و حقوق دادرسی در مراجع قضایی و نظارت مؤثر بر اجرای موارد مذکور توسط مراجع قضایی عالی هدایت نماید (شایگان و آشوری، ۱۳۹۷: ۷۵). کاهش بازداشت افراد بی‌گناه، بی‌تردید شکاف ملت و حاکمیت را می‌افزاید؛ سرمایه اجتماعی را می‌کاهد و احساس عدالت کیفری را تضعیف می‌کند

۱-۳- اصلاح نظام استفاده از قرار موقوفی تعقیب برای درخواست جبران خسارات ایام بازداشت

از زمان تعقیب متهم به جرم تا زمان اجرای حکم از مراجع صالح جهت تحقیق و رسیدگی و اجرای حکم در امور کیفری معمولاً تصمیمات بی شماری صادر می‌شود. در حقوق ایران در حقیقت رأی در معنای دقیق کلمه در اصطلاح به تصمیمی گفته می‌شود که حکم یا قرار باشد. سپس باید معیاری ارائه داد که در آراء مراجع صالح به رسیدگی از حکم تمیز داد. بعضی معتقدند برای تمیز رأی از سایر تصمیمات محاکم بهترین معیار قانون می‌باشد. بدین معنا که قانون هر جا لازم باشد عمل را در قالب رأی انجام داد آن را صریحاً مشخص کرده است. اما معیار تمیز حکم از قرار کدام است؟ ماده ۲۹۹ ق. آ. د. م این معیار را این چنین می‌گوید که «چنان چه رأی دادگاه راجع به ماهیت دعوا و قاطع آن به طور جزئی یا کلی باشد حکم و در غیر این صورت قرار نامیده می‌شود».

کشورهای معدودی مانند آمریکا و انگلستان، نظام تخصصی را برای احراز و رسیدگی به ادعای گناهی محکومان پیش بینی کرده‌اند. علاوه بر آن، نقش نهادها و جنبش‌های مدنی در این ارتباط غیر قابل انکار است (مهرا و سبزواری‌نژاد، ۱۳۹۰: ۸۲). اعاده دادرسی، یعنی برگزاری یک رسیدگی فوق العاده، ساز و کاری است که نظام حقوقی ایران همانند بسیاری از کشورهای دیگر در این زمینه پیش بینی کرده است. با این وجود، امکان استفاده از این ساز و کار با موانع قانونی شکلی مانند جهات محدود اعاده دادرسی و مرور زمان مواجه است و همه ادعاهای بی‌گناهی را در بر نمی‌گیرد (فرجیها و غلاملو، ۱۳۹۴: ۳۹). در نظام حقوقی ایران، حذف ناروای ساز و کار قانونی امکان اعلام اشتباه به وسیله قاضی صادر کننده رأی و سایر مقامات قضایی در سال ۱۳۸۱، بر کاستی‌ها افزوده است و این موجب بزه‌دیدگی ثانویه بازداشت‌شدگان بی‌گناه می‌گردد.

قرارهای نهایی حتماً باید موخر آخرین دفاع صورت پذیرد و حال آن که مورد قرار موقوفی تعقیب اخذ آخرین دفاع ضروری نمی‌باشد، با این همه و به رغم این تفاوت‌ها باید گفت چنانچه فراغ بازپرس یا قاضی تحقیق را ملاک و ضابطه تفکیک قرارهای اعدادی از نهایی تلقی کنیم مجاز خواهیم بود قرار موقوفی تعقیب را جزو قرارهای نهایی تلقی کنیم. با وجود این تفاوت در معیار قرارهای نهایی از اعدادی با عنایت به مجموع قوانین موجود می‌توان گفت در سیستم قضایی ما قرار مذکور جزو قرارهای نهایی محسوب می‌شود. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶: ۵۲)

از طرف دیگر قرار موقوفی تعقیب یک قرار شکلی است؛ بدین معنا که دادرسی بدون این که وارد ماهیت امر جزائی شود و این عمل ارتكابی توسط متهم جرم محسوب می‌شود یا خیر، به جهتی از جهات قانونی تعقیب جزائی متهم را موقوف می‌کند. بنابراین باید گفت قرار موقوفی از قرارهای نهایی و شکلی می‌باشد. حال، موضوعی که قابل طرح و بررسی است اینکه، چنانچه در پرونده‌ای متهم ماهها در بازداشت باشد و متعاقباً به استناد یکی از موارد ذکر شده در ماده ۱۳ ق. آ. د. ک «قرار موقوفی تعقیب» صادر شود، آیا خسارات ایام بازداشت چنین متهمی قابل جبران است یا خیر؟

با عنایت به ماده ۲۵۵ ق. آ. د. ک و مجموع عقاید متخصصان حقوقی در این حوزه ملاحظه می‌گردد که قانونگذار صرفاً در دو حالت، خسارات ناشی از ایام بازداشت را قابل مطالبه می‌داند: (۱) صدور حکم برائت، (۲) صدور قرار منع تعقیب. چنانچه اتهام شخص، اعم از واحد یا متعدد، منجر به برائت شود موضوع جبران خسارت با مشکلی مواجه نمی‌شود اما چنانچه در فرض تعدد اتهامات، یک اتهام به برائت و اتهام دیگر به تعلیق اجرای مجازات یا قرار موقوفی تعقیب بینجامد به نظر می‌رسد، چالش از حیث تشتت اقوال وجود دارد. همچنین اگر قاضی در راستای حفظ نظم دادگاه دستور بازداشت شخص را صادر کند و بعداً کاشف به عمل آید که بازداشت، غیرقانونی بوده آیا می‌توان مضمول ماده ۲۵۵ ق. آ. د. ک قرار داد؟ ظاهر و صراحت مقید ماده مزبور این اجازه را نمی‌دهد اما عدالت و انصاف، خلاف آن را اقتضا دارد. به عبارت ساده، آیا در صورت صدور قرار موقوفی تعقیب به استناد مثلاً اعتبار امر مختومه یا شمول مرور زمان و ورود خسارت در ایام بازداشت، آیا متهم می‌تواند خسارت دریافت کند؟ پاسخ این سؤال بنا به ظاهر قانون، منفی است؛ اگرچه عدالت و انصاف خلاف آن را اقتضا دارد و باید قانون را اصلاح کرد. با این توضیح که، عبارات به کاررفته در ماده ۲۵۵ ق. آ. د. ک به صراحت حکایت از عدم امکان مطالبه خسارات ایام بازداشت در صورت صدور قرار موقوفی تعقیب داشته و دلیل آن نیز عدم اظهار نظر ماهوی در مورد ارتکاب جرم یا عدم ارتکاب عمل مجرمانه توسط متهم بیان شده است (خالقی، ۱۳۸۶: ۲۲۹).

از سوی دیگر، قانون آیین دادرسی کیفری حاضر، از قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه الهام گرفته و در این خصوص نیز بایستی مثل سایر موارد، دیدگاه قانونگذار فرانسوی را پرس وجو نمود. قانونگذار فرانسوی در ذیل ماده ۱۴۹ و نیز مواد ۱-۱۴۹ و ۲-۱۴۹ قانون مذکور به عبارت «تصمیم منع تعقیب، آزادی یا برائت» اشاره و تأکید نموده است. بنابراین، در ظاهر امر، قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه نیز صرفاً در دو حالت قرار منع تعقیب و حکم برائت جبران خسارات ناشی از ایام بازداشت را مجاز می‌داند.

با این وجود، نگارنده معتقد است که در برخی شقوق منجر به صدور قرار موقوفی تعقیب ضروری است که در کنار قرار منع تعقیب و حکم برائت، قرار موقوفی تعقیب را نیز اضافه نمود و اذعان داشت که چنانچه پرونده متهم به جهت صدور قرار منع تعقیب یا موقوفی تعقیب یا حکم برائت مختومه شود، جبران خسارات ناشی از ایام بازداشت امکان‌پذیر بوده و البته باید بین مصادیق مختلف قرار موقوفی تعقیب ذکر شده در ماده ۱۳ ق. آ. د. ک قائل به تفکیک بود؛ چرا که ماده ۱۳ قانون مذکور، هفت مورد را به عنوان مصادیق انحصاری صدور قرار موقوفی تعقیب ذکر کرده است و آن عبارتند از: فوت متهم یا محکوم‌علیه، گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرائم قابل گذشت، عفو، نسخ، مرور زمان، توبه، اعتبار امر مختوم. به نظر نگارنده، در مصادیقی چون گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرائم قابل گذشت، فوت متهم یا محکوم‌علیه، عفو و توبه که منتهی به صدور قرار موقوفی تعقیب می‌شود، موضوع جبران خسارات ناشی از ایام بازداشت منتفی است.

بر عکس، در مصادیقی عینی چون نسخ مجازات قانونی، مرور زمان و اعتبار امر مختوم می‌توان با صدور قرار موقوفی تعقیب، بحث جبران خسارات ایام بازداشت را مطرح و در این خصوص قانون آیین دادرسی کیفری را نیز اصلاح نمود. زیرا موارد شخصی امور حادثی هستند که در جریان رسیدگی رخ می‌دهند و نمی‌توان حدوث متعاقب یک امر را برای جبران خسارت بازداشت پیشین لحاظ نمود. ولیکن امور عینی مواردی هستند که در زمان تصمیم وجود دارند و بدین لحاظ می‌تواند برای جبران خسارت مورد استناد قرار گیرد. تنها مرور زمان در این خصوص مورد بحث است که به نظر می‌رسد در صورت مزی مرور زمان شکایت (و نه تعقیب و دادرسی که امور حادث هستند) می‌تواند برای جبران خسارت مورد استناد قرار گیرند. واضح است که در حالت اخیر (صدور قرار موقوفی تعقیب) نیز چنانچه بازداشت شخص، ناشی از

خودداری وی در ارائه اسناد، مدارک و ادله بی گناهی خویش باشد^۱، به استناد بند «الف» ماده ۲۵۶ ق. آ. د. ک چنین شخصی استحقاق مطالبه خسارات ناشی از ایام بازداشت را نخواهد داشت. درخور ذکر است تبصره اصلاحی منضم به ماده ۱۴۵ ق. آ. د. ک (۹۴/۳/۲۴) در کنار قرار منع تعقیب و حکم برائت، به قرار موقوفی تعقیب نیز اشاره نموده است.

۲-۳- ابلاغ کتبی حق شکایت بخاطر بازداشت ناموجه در اوراق قضایی

با توجه به اهمیت موضوع جبران خسارات ناشی از ایام بازداشت می‌توان در قانون آئین دادرسی کیفری پیش‌بینی نمود که به محض صدور حکم برائت یا قرار منع تعقیب، در مقام ابلاغ رأی صادره، به وجود چنین حقی (حق مطالبه خسارات ایام بازداشت ناموجه) برای افراد در احضاریه ارسالی اشاره و متذکر شد. به عبارت دیگر، با اصلاح قانون در مقام ابلاغ رأی صادره مذکور، حق درخواست و مطالبه خسارات ناشی از ایام بازداشت را به زیان دیده اطلاع‌رسانی و ابلاغ نمود؛ همچنان که قانونگذار در ماده ۱۹۰ ق. آ. د. ک «حق برخورداری متهم از وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی» را به اندازه‌ای دارای اهمیت دانسته است که ضرورت دارد مقامات دادسرا اعم از بازپرس یا دادیار در برگ احضاریه ارسالی به این حق اشاره نمایند. نتیجه این که، در راستای فرض برائت و حفظ حقوق و آزادی‌های متهم، شایسته است که موضوع جبران خسارات ناشی از ایام بازداشت در رأی صادره اشاره شود؛ یا این که حداقل در احضاریه ارسالی جهت ابلاغ رأی صادره، به این حق اشاره و اطلاع‌رسانی شود.

شایان ذکر است قانونگذار ایرانی به تبع از مقلدین فرانسوی و در پرتو آموزه‌های فقه اسلامی، در ماده ۲۵۶ ق. آ. د. ک مواردی را ذکر کرده است که شخص بازداشت‌شده مستحق جبران خسارت نیست (شاملو و مرادی، ۱۳۹۳: ۲۲۱). موارد ذکر شده در ماده مذکور بر مبنا و اصول معین و اهداف دقیقی وفق مصالح شرع انور اسلام استوار شده است. در فقه اسلامی، قواعد «اقدام» و «تسبیب» مبنای عدم استحقاق جبران خسارت چنین بازداشت‌شدگانی را توجیه می‌کند. نکته دیگر اینکه، قسمت ابتدایی ماده ۲۵۷ ق. آ. د. ک مقرر می‌دارد: «شخص بازداشت شده باید ظرف شش ماه از تاریخ ابلاغ رأی قطعی حاکی از بی گناهی خود، درخواست جبران خسارت را به کمیسیون استانی، متشکل از سه نفر قضات دادگاه تجدیدنظر استان به انتخاب رئیس قوه قضائیه تقدیم کند...». آنچه که حایز اهمیت است اینکه تعیین مهلت شش ماهه از تاریخ ابلاغ رأی قطعی برای درخواست جبران خسارت موضوع ماده ۲۵۷ ق. آ. د. ک گرچه به تأسی از قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه تنظیم شده است اما توصیه می‌شود این مهلت به مهلت یک سال که مهلت معقولی به شمار می‌رود، افزایش یابد تا تنگی وقت و اطاله دادرسی و فرصت مناسب جهت مشاوره با وکلای دادگستری حق فرد بازداشت‌شده را تضییع نکند.

نتیجه

با توجه به زبان‌های بسیاری که بازداشت موقت دارد - امروزه گرایش به محدود کردن هر چه بیشتر موارد صدور قرار بازداشت موقت است و شرایطی ماهوی و شکلی برای این امر در نظر گرفته می‌شود که صدور آن به کم‌ترین اندازه برسد و به تعبیری در سطح بین‌المللی نیز از بازداشت موقت به عنوان اقدامی بد ولی‌گاه ضروری یاد می‌شود و در عین حال چنانچه برای فردی قرار بازداشت صادر شد حقوق او به نحو کاملی تضمین شود به گونه‌ای که شخص متهم به تنهایی از آزادی رفت و آمد محروم شود و به سایر حقوق او لطمه‌ای وارد نشود.

^۱ برای مثال، در فرضی که متهم، به موضوع اعتبار امر مختوم و رسیدگی قبلی به پرونده اشاره و استناد نکند.

کمیسیون های استانی و کمیسیون ملی جبران خسارات، نهاد جدیدی در حقوق داخلی است که عهده دار جبران خسارات ایام بازداشت ناروا می باشند. کمیسیون جبران خسارات در قانون آیین دادرسی قبلی دیده نشده بود و از ویژگی های قانون جدید تأسیس این کمیسیون است که طی آن به اعتراض و درخواست افرادی که در مراحل تحقیقات مقدماتی و دادرسی بازداشت شدند و سپس برای آن‌ها قرار منع تعقیب و یا برائت حاصل شده است، رسیدگی می شود. وظیفه این کمیسیون ها، دریافت و بررسی درخواست ها و تعیین میزان استحقاق چنین بازداشت شدگانی به دریافت غرامت بابت جبران خساراتی است که در جریان تحقیقات مقدماتی یا دادرسی بر آن ها تحمیل شده است. لذا، در قانون جدید آیین دادرسی کیفری، قانون گذار به افرادی که بناحق آزادی شان در معرض تضییع قرار گرفته اجازه داده است که بتوانند بیاپند و ادعای خسارات کنند.

پیش بینی جبران خسارات برای متهمان و محکومان بیگناه، نوعی تعهد نظارت را برای مقام قضایی نسبت به تناسب و توازن در صدور قرار تأمین کیفری ایجاد می کند. به همین جهت گفته می شود چون یکی از وظایف مهم مقام قضایی، إصدار قرار تأمین کیفری متناسب است و أخذ تأمین نامتناسب موجب محکومیت انتظامی از درجه چهار به بالا است، بنابراین در عمل شاهد کاهش صدور قرار بازداشت موقت و در نتیجه کاهش سلب آزادی از اشخاص بیگناه هستیم. البته در عمل و در برخی از دادسراهای تهران (مثل دادسرای ناحیه یک) نحوه ارجاع شکوائیه به مراجع انتظامی و دادسرا و شروع به تحقیقات مقدماتی به گونه ای است که متهم در بیشتر مواقع بی تأمین می ماند و این اقدام دادسرا نیز به نوبه ی خود تبعات منفی زیادی دارد، از جمله اینکه متهم در جرائم مالی متواری می شود.

نگارنده معتقد است که بایستی در کنار قرار منع تعقیب و حکم برائت، قرار موقوفی تعقیب را نیز اضافه نمود و اذعان داشت که چنانچه پرونده متهم به جهت صدور قرار منع تعقیب یا موقوفی تعقیب یا حکم برائت مختومه شود، جبران خسارات ناشی از ایام بازداشت امکان پذیر بوده و البته باید بین مصادیق مختلف قرار موقوفی تعقیب ذکر شده در ماده ۱۳ ق.آ.د.ک قائل به تفکیک بود. در مصادیقی چون گذشت شاکي یا مدعی خصوصی در جرایم قابل گذشت، فوت متهم یا محکوم علیه، عفو و توبه که منتهی به صدور قرار موقوفی تعقیب می شود، موضوع جبران خسارات ناشی از ایام بازداشت منتفی است.

بر عکس، در مصادیقی عینی چون نسخ مجازات قانونی، مرور زمان و اعتبار امر مختوم می توان با صدور قرار موقوفی تعقیب، بحث جبران خسارات ایام بازداشت را مطرح و در این خصوص قانون آیین دادرسی کیفری را نیز اصلاح نمود. واضح است که در حالت اخیر (صدور قرار موقوفی تعقیب) نیز چنانچه بازداشت شخص، ناشی از خودداری وی در ارائه اسناد، مدارک و ادله بی گناهی خویش باشد، به استناد بند «الف» ماده ۲۵۶ ق.آ.د.ک چنین شخصی استحقاق مطالبه خسارات ناشی از ایام بازداشت را نخواهد داشت. درخور ذکر است تبصره اصلاحی منضم به ماده ۱۴۵ ق.آ.د.ک (۹۴/۳/۲۴) در کنار قرار منع تعقیب و حکم برائت، به قرار موقوفی تعقیب نیز اشاره نموده است.

مصادیق تعیین شده در قانون جنبه حصری دارند و نمی توان با توسعه موضوع و قیاس به موارد مشابه، دامنه جبران خسارات این قبیل افراد را توسعه داد هر چند ذینفع و متضرر حق مطالبه خسارات وارده را از باب استناد به اصول و قواعد دیگر از قبیل لاضرر و نفی حرج خواهد داشت. لذا، اصول حقوق بشر و قواعد فقهی، اهم مبانی خسارت زدایی از متهمان و محکومان بی گناه است. وانگهی، کمیسیون های ملی و استانی جبران خسارت قضایی، به رغم همسویی با اندیشه ضمان حاکم اسلامی و عدالت ترمیمی، به دلیل تداوم غلبه سزاگرایی بر خرده گفتمان قضایی - با وجود گفتمان اصلی بازپرورانه و ترمیمی - و به جهت عیوب قانونی و ساختاری نتوانسته است آموزه ی جبران خسارات بازداشت ناروا به دستاورد عینی

قوه قضائیه مبدل سازد. در پایان، پیشنهاد می‌شود اطلاق و ابهام بند «پ» ماده ۲۵۶ ق.آ.د.ک مقید گردد تا گریزگاه عدم جبران خسارات قرار نگیرد.

منابع

- آشوری، محمد (۱۳۹۳)، حقوق کیفری شورای اروپا، تهران: خرسندی، چاپ اول.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۶)، ترمینولوژی حقوق، تهران: گنج دانش، چاپ هشتم.
- حبیب‌الله سعید و علیرضا صالحی‌فر (۱۳۹۲)، رویکردهای جبران خسارت ناشی از خطاهای مدنی مرگ‌آفرین؛ مطالعه تطبیقی در حقوق مسئولیت مدنی ایران و ایالات متحده آمریکا، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۴، شماره ۱.
- خالقی، علی (۱۳۸۶)، قراردادسازی آیین دادرسی کیفری، علوم جنایی، شماره ۲.
- خالقی، علی (۱۳۹۳)، نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، تهران: شهر دانش، چاپ دوم.
- شادمان، سیامک (۱۳۹۵)، مسئولیت مدنی ناشی از بازداشت غیرقانونی، مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، سال دوم، شماره ۳.
- شاملو، باقر و مجید مرادی (۱۳۹۳)، خسارت‌زدایی از مظنونان، متهمان و محکومان بی‌گناه؛ جایگاه حقوقی و فرایند عملی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۸۸.
- شایگان، اسماعیل و محمد آشوری (۱۳۹۷)، نظام حقوقی جبران خسارت ناشی از بازداشت متهمان بی‌گناه؛ پژوهشی در حقوق ایران و حقوق تطبیقی، شماره ۲۳.
- صادقی زبازی، حاتم و مهراون ابراهیمی‌منش (۱۳۹۳)، حق آزادی و امنیت شخصی در اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران؛ با نگاهی به نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۵، شماره ۱.
- طه، فریده و لیلا اشرفی (۱۳۸۶)، دادرسی عادلانه، تهران: میزان.
- طهماسبی، جواد و امین گلریز (۱۳۹۱)، بررسی تطبیقی بازداشت موقت در مقررات و رویه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی با اسناد حقوق بشر و حقوق داخلی، مطالعات حقوق تطبیقی، شماره ۴.
- فتحی، حجت‌الله (۱۳۹۳)، شرح مبسوط قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: حدود، قم، مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی، چاپ اول، جلد اول.
- فتحی، محمدجواد و هادی دادیار (۱۳۹۲)، جایگاه دادستان در سیاست جنایی نوین و الزامات دادرسی عادلانه، شماره ۷.
- فرجیها، محمد و جمشید غلاملو (۱۳۹۴)، سازوکارهای رسیدگی به ادعای بی‌گناهی محکومان: مطالعه تطبیقی نظام‌های حقوقی ایران، آمریکا و انگلستان، پژوهش حقوق کیفری، شماره ۱۱.
- قاری سیدفاطمی، سید محمد و سیده لطیفه حسینی (۱۳۹۲)، جبران خسارت در نظام‌های منطقه‌ای حمایت از حقوق بشر: ارزیابی رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۲.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۳)، بایسته‌های حقوق جزای عمومی، تهران: نشر میزان، چاپ چهاردهم.
- مقدسی، محمدباقر و ابراهیم رضاقلی‌زاده (۱۳۹۷)، جبران خسارت متهمان بازداشت‌شده بی‌گناه در نظام عدالت کیفری ایران و فرانسه، پژوهش حقوق کیفری، شماره ۲۳.

- مهر، نسرین و حجت سبزواری نژاد (۱۳۹۰)، ابعاد جبران خسارت قربانی جرم در حقوق کیفری انگلستان، تحقیقات حقوقی، دوره ۱۴، شماره ۱۰۷.
- مهرپور، حسین (۱۳۸۵)، کرامت انسانی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه حقوق عمومی، شماره ۱.
- مهرپور، حسین و همکاران (۱۳۸۰)، اجرای حقوقی اخلاق، نامه مدرس (فصلنامه علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس)، دوره ۵، شماره ۴.
- نجفی ابرندآبادی، محمد علی و سودابه رضوانی (۱۳۹۲)، سلب آزادی پیشگیرانه محور با تأکید بر ماده ۱۵۰ قانون مجازات اسلامی، پژوهش حقوق کیفری، شماره ۲۴.
- نیازپور، امیرحسین (۱۳۸۹)، سرعت بخشی به فرایند کیفری؛ سازوکاری برای پیشگیری از بزهکاری، پژوهش حقوق و سیاست، سال دوازدهم، شماره ۲۸.
- نیک فرجام، زهره (۱۳۹۲)، جبران خسارت معنوی در فقه و حقوق، مبانی فقهی حقوق اسلامی، شماره ۱۱.
- هاشمی، محمد (۱۳۸۲)، حمایت‌ها و تضمینات حقوق بشر در حقوق داخلی و نظام بین‌المللی، تحقیقات حقوقی، شماره ۳۸.
- یوسفیان شوره‌دلی، بهنام و لیلا رسولی آستانی (۱۳۹۲)، نگرش تطبیقی به جبران خسارت وارد شده بر محکوم بی‌گناه؛ از نظر تا واقعیت، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۸۲.

**Criticism of the system of compensation for imprisonment and unlawful detention
;in Iran's legislative criminal policy
In the light of criminal teachings and human rights**

Abstract

Compensation for innocent detainees and prisoners is a relatively new legal establishment. Compensation to the government for the mistakes of judicial personnel is a development in the respect of human rights in the criminal process, which is influenced by the development of criminal knowledge and critical criminology and related sciences. None of Articles ۱۳۸, ۱۷۱, ۱۷۲, ۱۲۴ and following the note of Article ۱۳۰ and paragraph ۲ of the note below Article ۲۴۳ of the Criminal Procedure Code of ۱۳۷۸ and also Articles ۵۷۰, ۵۷۵ and ۵۸۳ of the Punishment Law of ۱۳۷۵ can fully explain the restoration of dignity and right to compensation. Damages were not charged. However, Articles ۲۵۵ to ۲۵۸ and ۵۱۸ of the Criminal Procedure Code of ۱۳۹۲ and Articles ۱۶۳ and ۱۳ of the Islamic Penal Code of ۱۳۹۲ also provided a legal basis for compensating the damages against the innocent convict. Compensation should also be provided in the event that a convicted person is deprived of liberty for more than the period of imprisonment provided in the sentence. In addition, the cases specified in the law are exclusive and it is not possible to expand the scope of compensation for such people by developing the subject and analogy with similar cases, although the beneficiary and the victim have the right to claim damages based on other principles and rules. Such as harmless and negation will be embarrassing. Therefore, the principles of human rights and jurisprudential rules are the most important principles of compensation for innocent defendants and convicts.

This article, after criticizing the legal materials related to the compensation of Navra's detention from the perspective of Iran's legislative criminal policy in the light of jurisprudential principles and international documents, explains that the national and provincial commissions for judicial compensation, despite alignment with the idea The Islamic ruling guarantee and restorative justice, due to the continuing dominance of punishment over the judicial sub-discourse - despite the main rehabilitative and restorative discourse - and due to legal and structural defects, have not been able to turn the doctrine of compensation for unjust detention into an objective achievement of the judiciary. In the end, it is suggested that the application and ambiguity of paragraph "c" of Article ۲۵۶ of the Code of Criminal Procedure be restricted so that there is no escape from non-compensation.

Keywords: Islamic ruling guarantee, judicial compensation, restorative justice, fair trial